جایگاه جنسیت در آسیب‌پذیری ناشی از آثار و پیامدهای زمین‌لرزه*

مارین فوردهام
ترجمه و تلخیص: دکتر مهدیس کامکار**

ممکن است در بازسازی زمین‌لرزه در ذهن، مفروض کردن رابطهٔ جنسیت با این مقوله نامربوط به نظر رسد. «خشونت ناگزیر» (The tyranny of the urgent) می‌تواند مقولهٔ جنسیت را گونه‌ای تجمل جلوه دهد، اما هدف و نیت این مقاله آزمودن جایگاه جنسیت در سنجش استعداد آسیب‌پذیری و تسکین و تخفیف زلزله است. در متن مقاله موارد متعددی از تحلیل جنسیتی ارائه می‌شود که به آسیب‌پذیری زنان در برخی حوادث و رخدادها می‌پردازد. سپس به توصیه‌های لازم در باب آگاهی جنسیتی (gender-aware) که موجب تخفیف و کاهش آلام می‌شود پرداخته می‌شود و بعد دربارهٔ مرکزیت جنسیت در فجایع و بلایا از نظر سیاست‌های تصمیم‌گیری و روش‌های اجرایی بحث می‌شود. در ادامه، به قابلیت بالقوهٔ تبدیل‌شوندگی (Transformative potential) موجود در بلایای زلزله، در ارزیابی و بازبینی مجدد رابطهٔ جنسیت و بلایا، اشاره خواهد شد.

کلید واژه‌ها: آسیب‌پذیری، جنسیت، زمین‌لرزه

مقدمه

در بحث زیر، ابتدا تمرکز بر زنان است. و البته در بحث رابطهٔ جنسیت با بلایا، ناچاراً مردان نیز لحاظ می‌شوند. دلیل این تمرکز نادیده گرفته شدن نقش تاریخی زنان در

---

* Source: Fordham, Maureen. (2000). **"The place of Gender in Earthquake vulnerability and Mitigation"**. Anglia Polytechnic university, Disaster studies project.

** روان‌پزشک

رسیدگی به بلایا و ضرورت آشکار ساختن نیازمندی‌های ما به تجربیات خاص زنان است. اگر چه مردان نیز نیازها و تجربیات خاص خود را دارند اما آنان از یک موضع مرتبط با قدرت عمل می‌کنند؛ در نتیجه در باب برابری اجتماعی آنان موارد کم‌تری جای بحث دارد.

همچنان‌که افزایش چشم‌گیری در پرداختن به مسائل زنان در حوزهٔ تحقیقات به‌وجود آمده، لازم به توجه است که دسترسی کم‌تری نیز به احوال و مسائل مردان وجود دارد (چیزی که به هر حال نیاز به اصلاح دارد).

علاوه بر این، یک نیاز همیشگی برای تمرکز صرف در باب مسائل زنان وجود داشته است، چرا که در مسئلهٔ خانوار و خانه‌داری به این سبب که قدرت ارتباط با جنسیت [نر] دارد، اغلب منجر به محرومیت زنان شده است.

۱) چرا جنسیت؟

۱ـ۱) نادیده انگاشتن زنان

علی‌رغم انجام چند فعالیت عملی و تحقیقی که اخیراً صورت گرفته، اطلاق «تحلیل جنسیت در بلایا» امری نامرسوم است.

(Walker, 1994; Blaikie et al, 1994; Morrow and EnarSon, 1996; Fothergill, 1996; Fordham and Ketteridge, 1998)

شایع‌ترین روش عملیاتی، به کار بردن تجربیات مردان به‌عنوان یک دسته‌بندی جهانی و عمومی است که در آن نیازها و تجربیات خاص زنان نادیده انگاشته شده است (Fordham, 1998). این مسئله هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای توسعه‌نیافته مشابه است، و هنوز «وقتی زنان برای خودشان یا دربارهٔ خودشان حرف می‌زنند واقعیت‌های پنهانی را آشکار می‌کنند... چشم‌اندازهای جدید نشان می‌دهد چالش‌هایی با حقایقی که محاسبات رسمی و فرضیات موجود طرح می‌کنند، وجود دارد» (Anderson, Armitage and Wittner, 1987 in Hewitt 1998: 87). رفته رفته این موضوع

که از نظر کیفی مقدار متنابه و متعددی از محاسبات برای طرح چشم‌اندازی جدید از دیدگاه زنان لازم است، رو به وضوح نهاده است (Fordham, 1999).

۲ـ۱) در بلایا و فجایع همه در یک سطح نیستند

از تحقیقات مربوط به بلایا آموخته‌ایم که در همه تأثیر یکسان به جا نمی‌گذارد و تفاوت عمده‌ای در توانایی افراد برای تحمل، مقابله و بهبود و احیا پس از بلایا وجود دارد (Blaike et al 1994; Hewitt 1997, 1983; cannon 1994). اگر چه انجمن‌های درمانی، اغلب بعد از فاجعه شکل می‌گیرند (Fritz, 1961) امّا اغلب تمایل به حذف تقسیم‌بندی‌های نهادین اجتماعی دارند. بعضی از این جوامع یا انجمن‌ها به ویژه آن دسته که در فجایع و بلایای مربوط به فن‌آوری و سم‌شناسی درگیرند، در تحقیقات خود برای نشان دادن وسعت تخریب و پراکندگی برچسب «اجتماعات فرساینده» می‌خورند. (Freudenburg, 1991 in Erikson, 1994: 236). اریکسون به‌ویژه پیامدهای منفی وقایع فن‌آوری و سم‌شناختی را مطرح می‌کند و دیگران نیز برای تحلیل این چالش تلاش می‌کنند. آن‌ها دریافته‌اند که همهٔ اجتماعاتی که در بلایای طبیعی صدمه می‌بینند تقریباً به صورت برابر متلاشی شده یا به کشمکش فراگیر دچار می‌شوند (مثلاً توفان مهیب سال ۱۹۹۷ در پیکاک). دسته‌های اجتماعی خاصی خطر و ریسک‌پذیری بالایی دارند. این گروه شامل فقرا، ناتوانان، کهن‌سالان، کودکان و اخیراً اقلیت‌های قومی ـ نژادی و زنان هستند.

جو یا محیط خانه (Domestic Space) مخصوصاً، در معرض آسیب و خطر زلزله است (Hewitt, 1997: 202)؛ ساختمان‌های مخروبه بیش‌تر از سایر ساختمان‌ها صدمه می‌بینند، چرا که اغلب ساکنان آن زنان، کودکان و سالمندان هستند. بعضی از شواهد مستند، نشانگر مرگ و میر و مصدومیت بیش‌تر در میان زنان و کودکان است. مثلاً در یک غروب گرم که اغلب زنان در خانه مشغول پخت و پز بودند، گرفتار شدند. اما مردان به دلیل آن‌که در فضای باز کار می‌کردند و یا برای مراسم دعا و نماز به مساجد رفته بودند نجات یافتند، مانند زلزلهٔ افغانستان در ۱۹۹۸ (IFRC, 1999)، و یا زلزلهٔ ۱۹۹۳ هندوستان که زنان و

کودکان در خانه خوابیده بودند و مردان به خاطر گرمای هوا بیرون از خانه به سر می‌بردند. این موارد از نمونه‌های وابسته به زمان و مکان در بعضی از بلایا (و در فرهنگ‌های متفاوت) است؛ اگرچه در بعضی از بلایا نیز، مردان بیش از زنان تلف می‌شوند.

۳ـ۱) آسیب‌پذیری خاص زنان

«زن بودن شاید به خودی خود آسیب‌پذیری خاصی ایجاد نکند، اما زنان فقیر (طبقهٔ اجتماعی + جنسیت)، زنان فقیر و مسن (سن + طبقهٔ اجتماعی + جنسیت) و زنان فقیر و سالمند و اقلیت (سن + طبقهٔ اجتماعی + قومیت + جنسیت) آسیب‌پذیرترین دسته‌ها هستند. افزوده شدن معلولیت (نابینایی) موجب بالا رفتن عوامل آسیب‌پذیری خواهد شد؛ عواملی که موجب می‌شود اگر شخص مصیبت‌زده شود، وضعیتش بدتر از بقیه باشد و اگر رو به بهبود باشد، سخت‌تر از بقیه بهبودی حاصل کند».

تحقیقات نشان می‌دهد که زنان به سبب طیفی از عوامل که نشانگر روندهای بنیادین اجتماعی است، مستعد آسیب هستند. این عوامل که در ادامه ذکر می‌شوند وابستگی درونی نزدیکی با هم دارند: جنیست، طبقهٔ اجتماعی، نژاد و قومیت، سن، توانایی ذهنی یا جسمی که همه با هم تعامل و تداخل دارند و بنابراین نمی‌توان به هرکدام به‌عنوان یک گروه یکدست و صرف نگاه کرد. ابتدا به عوامل زیست‌شناختی می‌پردازیم، هرچند این عوامل نشانگر جبرهای مطلق بیولوژیکی نیستند.

۱ـ۳ـ۱) عوامل زیست‌شناختی:

- حاملگی و شیردهی آسیب‌پذیری زنان را افزایش می‌دهد، چرا که در این زنان علی‌رغم تحرک کم‌تر، نیاز بیش‌تری به آب و غذا وجود دارد؛
- طول عمر طولانی‌تر از مردان می‌تواند منجر به افزایش فقر در جمعیت زنان سالمند شود.

۲ـ۳ـ۱) عوامل اقتصادی:

- زمان‌هایی که زنان به کارهای مختلف مشغول هستند محاسبه نمی‌شود (Mies, 119:81)؛

ـ در مرحلهٔ بعد از فاجعه که خدمات احیا، توان‌بخشی و امدادرسانی توزیع می‌شود، ممکن است زنان ندیده گرفته شوند. هویت‌بخشی به زنان در حوزهٔ خصوصی خانه، اگر چه موجب افزایش بار کاری آنان در چرخهٔ فاجعه و بلایا نیز می‌شود اما این موضوع نیز همچنان ناشناخته باقی می‌ماند (Hakim, 1999:53) و کار زنان، بالقوه شامل تولیدمثل و و اجتماعات غیردولتی باقی می‌ماند؛

ـ برای زنان فرصت‌های شغلی خارج از محیط خانه نیز، نامتناسب تقسیم می‌شود. مثلاً کار پاره وقت، موقت یا از نظر درآمد و پایگاه اجتماعی سطح پایین است، که همین موارد زنان را در معرض خطر فقر بیش‌تر قرار می‌دهد؛

ـ زنان فاقد دسترسی به اعتبار یا پشتوانه هستند (Childers, 1999)؛

ـ اولویت فرصت‌های شغلی اغلب به مردان اعطا می‌شود.

۳ـ۳ـ۱) عوامل اجتماعی:

ـ دسترسی زنان و دختران به فرصت‌ها و امکانات آموزشی ناعادلانه است؛

ـ زنان در کل از سطح سواد پایین‌تری برخوردارند.

آمار UNESCO (www.unescostat. Unesco. Org) میزان بی‌سوادی جهانی را در سال ۲۰۰۰ میلادی، برای مردان حدود چهارده و هفت‌دهم درصد و برای زنان یک و پنج‌دهم درصد تخمین می‌زند.

البته در اروپا این اختلاف کم‌تر است: نه‌دهم درصد برای مردان و یک و پنج‌دهم درصد برای زنان (در کشورهای توسعه‌یافته این آمار به طور متوسط در مردان نه‌دهم درصد و در زنان یک و سه‌دهم درصد است).

۴ـ۳ـ۱) عوامل سیاسی:

ـ فقدان حق رأی عمومی و همگانی؛

ـ دسترسی زنان به مشاغل و ساختارهای قدرتی تصمیم‌گیرنده محدودتر است؛

ـ تجربهٔ زنان برای فرصت‌های شرکت در فعالیت‌های سیاسی محدود است.

۵ـ۳ـ۱) عوامل فرهنگی:

● جبر فرهنگی فرودستی زنان نسبت به مردان

این وضعیت که غالباً بنابر توجهات مذهبی ایجاد شده است، نقش بسیاری در محدودیت تحرک و فعالیت زنان بازی می‌کند. مثلاً زنان در تخلیهٔ محل بلایا یا دریافت کمک‌های درمانی نسبت به مردان، در درجهٔ دوم قرار می‌گیرند و یا اغلب، این نوع خدمات‌رسانی به آن‌ها به بعد موکول می‌شود. در زلزلهٔ ۱۹۹۸ افغانستان بسیاری از مردان افغان، به زنان اجازهٔ نقل و انتقال سریع زنان آسیب‌دیده را برای درمان، بدون همراه مرد نمی‌دادند (IFRC, 1999: 78). در بنگلادش زنان و دختران هنگام توفان و سیل در معرض خطرات صعب‌تری قرار دارند و علت آن هم تعصب و ضدیت در یادگیری شنای این دو دسته است.

● آسیب‌پذیری به سبب خشونت جنسی و خانگی

شواهد نشانگر بروز خشونت بیش‌تر با زنان در زمان بلایاست. متأسفانه هنوز فاقد تشخیص این امر مهم در سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت صحیح رسیدگی به امور مربوط به آن هستیم. (Larabee, 2000; fothergill,l 1999; Wilson, et al, 1998; Enarson, 1997)

● تبعیض جنسی

موضوع سرپرست خانوار بودن زنان، به دلیل افزایش مهاجرت‌ها، ترک انفاق رو به افزایش مردان و فقدان تشخیص نیازهای این زنان (مجرد، مطلقه، بیوه...) بسیار مهم است؛ به‌ویژه آن که قاعدهٔ کلی الگوی خانوار، سرپرست بودن مردان بوده است. در توفان میچ، در نیکاراگوئه افزایش میزان سرپرستی زنان از بیست و یک و سه‌دهم درصد به چهل درصد و افزایش آمار همین فاجعه در هندوراس از بیست و چهاردهم درصد (۲۰/۴٪) به حدود بیش از پنجاه درصد (Delaney & Shrader, 2000) نشانگر لازمهٔ توجه به این مسئلهٔ مهم است.

• دیگر علامت‌ها

به دلیل درک و دریافت متفاوت از خطر، زنان اجتناب‌کننده از خطر هستند و به همین سبب در معرض خطرزایی‌ها و تحمل ریسکِ رفتار مردان که ایجادکنندهٔ خطر هستند، قرار دارند. (Fothergill, 1996; cutter, etal, 1992).

همچنین آگاهی جنسیتی و مسئولیت‌پذیری زنان در تهیهٔ غذا و بهداشت خانواده، منجر به رشد آگاهی آنان صرفاً در حوزه‌هایی می‌شود که متأسفانه بد معنی شده و به نام «دانش زن خانه‌دار» شناخته می‌شود. این موضوع در نتیجه موجب از دست دادن حوزه‌های قدرت تصمیم‌گیری برای زنان می‌شود.

۶ـ۳ـ۱) عوامل زیست بومی:

- آسیب‌پذیری زیست بومی خانگی، چنان که از آن سخن رفت، نمونهٔ آن در زلزله فوریه ۱۹۹۸ در افغانستان رخ داد که اکثر زنان و کودکان به سبب آن‌که در خانه در هنگام غروب آفتاب در تدارک غذا بودند کشته شدند.
- در باب بسیاری از زنان، خانه محیط کارِ آن‌ها نیز به شمار می‌آید و به همین لحاظ احتمال مصدومیت آن‌ها حین زلزله دو برابر می‌شود.
- بسیاری از زنان، با محصولات کشاورزی محلی، خانوادهٔ خود را حمایت می‌کنند؛ مثل محصولات باغچه یا باغی کوچک، که فقط توان ادارهٔ خود خانواده را دارد و در ارزیابی اقتصادی خانوار، به حساب نمی‌آید. در نتیجه در برنامه‌های بازیابی - احیا نیز احتمال کم‌تری وجود دارد تا در اولویت قرار گیرد.

اگرچه این موارد ذکر شده نشانگر استعداد ابتلا و آسیب‌پذیری بیش‌تر زنان است اما دانستن این نکتهٔ مهم ضرورت می‌بخشد که زنان را صرفاً در زمرهٔ قربانیان درمانده قلمداد نکنیم، بلکه ظرفیت و توانایی بالای آنان را در مقاومت و غلبه بر صدمات ناشی از فاجعه که ساختاری اجتماعی دارند نیز به رسمیت بشناسیم.

۴ـ۱) توانایی‌های زنان

چشم‌انداز آسیب‌پذیری صرف زنان ممکن است به صورت منفی‌گرایانه‌ای موجب چشم‌پوشی از توان‌مندی به غایت مثبت آنان شود. به همین سبب در ادامهٔ این مقاله رسیدن و پرداختن به این موضوع بسیار مهم است.(Baikie, etal, 1994; Cannon, 1994; Anderson&Wooderow, 1998)

زنان در سراسر چرخهٔ بلایا و فجایع فعالانه پایداری می‌کنند (مرحلهٔ تخفیف و تسکین، مرحلهٔ برنامه‌ریزی، مرحلهٔ آمادگی و بسیج، مرحلهٔ واکنش‌های اضطراری و مرحلهٔ احیا و بهبود پس از فاجعه)؛ اگر چه ممکن است به تلاش‌ها و فعالیت‌های آنان کم‌تر از حد معمول بها داده شود یا ناچیز شمرده شود و یا اغلب این فعالیت‌ها در طبقه‌بندی‌های غیررسمی قرار داده شوند. (Fothergill, 1996; Neal and Phillips, 1990). اما زنان در واقع آغازگر و پایان‌بخش کارهای گروه‌های اورژانس و گروه‌های امداد بومی ـ به سبب آگاهی و عملکرد خردمندانهٔ خود به روش‌های مختلف ـ هستند. (Fothergill, 1996; Enarson & Morrow, 1998; Wilson, 1999). هرچند هنوز تا زمان درک و پذیرش تشریک مساعی فعال زنان در جلوگیری و رسیدگی به امور مربوط به بلایا و چرخه‌های حرفه‌ای آن، راه درازی باقی مانده است.

۲) توصیه‌های لازم برای کاهش آسیب‌پذیری زنان و ایجاد توانایی‌های محلی

در واقع این بلایا نیستند که موجب آسیب‌پذیری و افزایش خطر برای بعضی از دسته‌های اجتماعی می‌شوند، بلکه شرایط و سیاست‌گذاری‌های قبل از بلایاست که موجب آسیب‌پذیری ساختاری و اجتماعی می‌شود. این مسئله در واقع یکی از موارد بحث عدالت اجتماعی است که در مقیاس‌های کلان ـ متوسط ـ کوچک یا خرد ارزیابی می‌شود.

در این مقاله بیشتر به سطوح متوسط اقدام یا تأسیس، سازمان‌دهی و سیاست‌گذاری و سطوح خرد (خانوار و انفرادی) می‌پردازیم.

۱ـ۲) مرکزیت‌زدایی

هدف این مقوله تعیین جایگاهی انحصاری یا متمرکز و خاص، برای زنان نیست، بلکه در نظر گرفتن جایگاهی برای فعالیت آنان است. افزودن توانمندی‌های دولت‌های محلی و مرکزیت‌زدایی موجب ایجاد فرصت‌های بیش‌تری برای دخالت دادن زنان در تصمیم‌گیری می‌شود. علاوه بر این باید سازمان‌های غیردولتی را نیز که زنان اغلب در آن‌ها دخیل هستند توانمند کرد.

۲ـ۲) سیاست‌گذاری قبل از واقعه

به این نکته که بلایا به واسطهٔ شرایط روزمره‌ای که مردم در آن زندگی می‌کنند ایجاد می‌شود، قبلاً نیز اشاره شده؛ بنابراین باید مقولهٔ سیاست‌گذاری در ایام قبل از واقعه، بدون فشارهای سیاسی و عمومی به‌منظور تأمین اقدامات لازم و فوری و عملکرد احیا در شرایط ناگوار انجام گیرد (Nigg 1996). این موضوع در میان پیوستار «جنسیّت ـ فاجعه ـ پیشرفت» بهتر جای می‌گیرد، جایی که مرمت و نوسازی همچنین بهبود و احیاء می‌توانند در لابه‌لای اهداف گستردهٔ اجتماعی و اقتصادی قرار گیرند.

۳ـ۲) توصیه‌های برگزیده و ویژه

ـ نیاز به تقویت توانایی‌های محلی در رسیدگی به امور بلایا ـ فجایع؛

ـ نیاز به آزمودن پروژه‌های زیرساختاری ـ فنی جسمانی، نظر به اهمیت این پروژه‌ها تسکین و کاهش آلام باید دربرگیرندهٔ آسیب‌پذیری‌های اجتماعی باشد (فقر، سواد، سن، جنسیت، قومیت)؛

ـ نیاز به اطلاعات، از جمله رفع نواقص و کاستی‌هایی چون فقدان عمومی اطلاعات دربارهٔ جنسیت، فجایع و بلایا، که اغلب نیز کیفی است و کمبود اطلاعات موجود در حوزه‌های جغرافیایی و اجتماعی در زمینه‌های متعدد؛

- نیاز به طرح و ارزیابی استعداد آسیب‌پذیری. در این‌جا نیز در بسیاری از حوزه‌ها اطلاعات کمّی وجود ندارد. اگر چه تعاریف آسیب‌پذیری نیز طیف گسترده‌ای دارد و فاقد همرأیی و وفاق جمعی است؛
- تصدیق نقش سه‌گانهٔ تولیدگر زنان، همچنین ایجاد پشتیبانی و حمایت از آنان، و اجتناب از ایجاد بار اضافی غیرضروری برای ایشان؛
- ما باید تشریک مساعی اقتصادی زنان را از نظر زمانی و تولیدات خانگی (محصولات باغ، پخت و پز، نظافت، بهداشت خانوار و غیره) به رسمیت بشناسیم؛
- اطمینان از این‌که محیط کار خانگی زنان شناسانده شده است، بدین منظور که این محیط حمایت و نوسازی و توان‌بخشی شود؛
- اطمینان از این‌که فرصت‌های برابر و عادلانه برای کار و تلاش در بلایا و محیط‌زیست بومی، به آن‌ها داده شود؛
- اطمینان از این‌که زنان نیز کرسی خود را در جلسات تصمیم‌گیری خواهند داشت؛ ضمن طرح این نکته که هدف، افزودن بار آنان با کار اضافی نیست؛
- تشخیص الگوهای مختلف خانواده و پاسخ‌دهی به نیازهای متفاوت آنان؛
- اداره‌کنندگان امور بلایا باید برای زنانی که حامله یا شیرده هستند و نیاز مبرم به منابع ضروری (آب، غذا، حریم خصوصی، حمل و نقل...) دارند تصمیمات خاص اتخاذ کنند؛
- تأمین سلامت زنان در مقابل خشونت جنسی / خانگی، حمایت زنان بی‌پناه (دسترسی به امنیت و ارتباطات حمایتی)، و فراهم‌سازی مکان‌های امن و مراکز آسایش‌گاهی در بلایا؛
- تصدیق و عملکرد براساس پذیرش درک بالاتر زنان از خطر، و مقابله با مقولات خطرساز مردانه؛
- تشخیص نیاز به حمایت از جو و فضای خانگی (تشخیص این که چه‌زمان و چه‌طور آسیب‌پذیری بیش‌تر می‌شود).

این فهرست کوتاه اما برگزیده، توصیه‌ها و اقدامات لازم و ممکن برای کاهش آسیب‌پذیری زنان است.

۳) جنسیت: از حاشیه به سوی مرکز حرکت کردن

۱ـ۳) مرکزیت جنسیت

جنسیت حوزهٔ مرکزی زندگی همهٔ ماست. وقتی نوزادی متولد می‌شود اولین سؤال دربارهٔ دختر یا پسر بودن اوست. اگر چه طی روند اجتماعی شدن ما به بی‌عدالتی جنسیتی که تقریباً از نظر کاربردی یک مقولهٔ جهانی است توجه چندانی نشان نمی‌دهیم اما رفته‌رفته آگاهی جنسیتی رو به افزایش است و این مقاله نیز به موقعیت خاص آن در پردازش و رسیدگی به مسائل بلایا پرداخته است. حال چه اتفاقی می‌افتد اگر مقولهٔ جنسیت باز هم درحاشیه بماند؟

«هزینه تداوم این اغماض در روند بهبود و احیای پس از بلایا بالقوه بسیار عظیم و وحشتناک است. شکست در حل مسائل جنسیتی محتملاً منجر به نادیده گرفتن، صدمات، نیازها و الویت‌ها شده و در نتیجه خود موجب تشدید فقر و ناعدالتی بیشتر می‌شود و نیز موجب افزایش آسیب‌پذیری و به وجود آمدن گروه‌های جدید قربانیان می‌شود. نهایتاً فقدان برنامه‌ریزی و ارزیابی حساس جنسیتی منجر به تکرار و تشدید الگوهای پیشین نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود.» (Delaney and Shrader 2000:42)

۲ـ۳) قابلیت بالقوهٔ تبدیل‌شوندگی فجایع عظیم

نکات درهم تافتهٔ کلیدی‌ای در هر دو برنامهٔ بلایا و توسعه وجود دارد که نمایان‌گر فرصت‌های اساسی برای دگرگونی اجتماعی و اقتصادی است.(Delandey and Shrader, 2000 : 12). هیچ‌کس در آرزوی بروز بلایا نیست، اما تخریب شدید ناشی از بلایا می‌تواند فرصت و بستری مناسب برای ایجاد تغییرات مثبت فراهم آورد. البته طراحی و ساخت مجدد ساختارهای فیزیکی نسبت به روندهای اجتماعی ساده‌تر است. با تمام این احوال، بلایا

می‌تواند اتفاقاتی برای تمرکز در اقداماتی که نه تنها سازماندهی مجدد درونی است، به حساب آید، بلکه شامل تعاریف تازه و چیدمانی نوین در دستور کار نیز باشد؛ و در عین حال تمهیدی آرمانی باشد برای تصویب، حمایت و همکاری عمومی. فضای زیست بومی پس از بلایا فرصت مناسبی است برای کند و کاو و پرسش دربارهٔ روش‌های غیرقابل تداوم و موقعیت‌های بنیادی اجتماعی که موجب آسیب‌پذیری می‌شوند (Larabee, 2000:12).

مثلاً در جمهوری دومینیکن و یا نیکاراگوئه توفان‌های مهیبی که در سال ۲۰۰۰ رخ داد فرصت تازه‌ای برای دگرگونی در امور مربوط به بلایا به وجود آورد. اقدامات بازسازی نه از طرف دولت بلکه اساساً از طرف (سازمان‌های غیردولتی) NGO ملی و بین‌المللی انجام گرفت. طبق گزارشات یک سازمان غیردولتی زنان شصت درصد پاسخ‌دهندگان (۹۸ درصد در یک منطقه) ابراز کردند که دولت هیچ کاری انجام نداده است. بروز این امر نشانگر تأثیرگذاری و پتانسیل (توان) سازمان‌های غیردولتی در موقعیت‌های پس از بلایاست.

۴) نکات کلیدی

نهایتاً و به طور اختصار تأکید بر سه نکتهٔ کلی و اساسی که باید به خاطر سپرده شود، تأکیدی بر جایگاه جنسیت در متن سازمان‌دهی آسیب‌پذیری و تسکین یا تخفیف بلایاست:

ـ داشتن اطلاعات ذی‌قیمت از بافت اجتماعی ـ اقتصادی که در آن کار می‌کنید؛

ـ آگاهی از بافت سیاسی محیط کار و راهبردهای کاری؛

ـ ارجاع مستمر به سه سطح اصلی درباب جریان اساسی جنسیت:

الف) آیا زنان و مردان به صورت برابر به مشاوره خوانده می‌شوند؟

ب) چه تعداد از زنان در مقابل مردان در روند تصمیم‌گیری دخیل هستند؟

ج) آسیب و صدمهٔ محتمل در زنان و مردان (بر اساس اهداف برابری جنسیتی) چیست؟ (UNDP, 1998)

در بسیاری از موارد ما هنوز پاسخ این سه سؤال آخر را نمی‌دانیم اما فراتر از آن و مهم‌تر این که ما حتی شروع به پرسش این سؤالات نکرده‌ایم.

References

منابع

1- Anderson, Mary B. and Peter Woodrow. J. (1998). **Rising From the Ashes**. London: Intermediate Technology.

2- Blaikie, Piers. Terry Cannon & Ian Davis. and Ben Wisner. (1994). **At Risk**. London: Routledge.

3- Cannon, Terry. (1994). **"Vulnerability analysis and the explanation of 'natural' disaaters"**. in Varley, Ann. (ed). Disasters, developments and the Environment. London: Bellhaven Press.

4- Children, Cheryl. (1999). **"Elderly female-headed households in the disaster loan Process"**. International Journal of Mass Emergencies and Disasters. Vol. 17 No. 1: 99-110.

5- Cutter, Susan & John Tiefenbacher. and William D. Solecki. (1992). **"En-gendered fears: femininity and technological risk perception"**. Industrial Crisis Quarterly. Vol. 6: 5-22.

6- Delaney, Patricia. and Elizabeth Shrader. (2000). **Gender and Post-Disaster Reconstruction: The Case of Hurricane Mitch in Honduras and Nicaragua**. World Bank LCSPG/LAC Gender Team. Decision Review Draft.

7- Enarson, Elaine. (1997). **Responding to Domestics Violence and Disaster: Guidelines for Women's Services and Disaster Practitioners**. Available from BC Institute Against Family Violence. 409 Granvill, Ste. 551, Vancouver BC. Canada V6C 1T2.

8- Erikson, Kai. (1994) **A New Species of Trouble**. New York: Norton.

9- Fordham, Maureen. (1998). **"Making women visible in disasters: problematising the private domain"**. Disasters Vol. 22 No 2: 126-143.

10- Fordham, Maureen. and Anne-Michelle Ketteridge. (1998) **"Men must work and women must weep": examining gender stereotypes in disasters"**. in Enarson and Betty Hearn Morrow (eds). 1998. The Gender Terrain of Disaster: Through Women's Eyes. Westport, CT: Praeger: 81-94.

11- Fothergill, Alice. (1999). **"An Exploratory Study of Woman Battering in the Grand Forks Flood Disaster: Implications for Communtity responses and Policies"**. International Journal of Mass Emergencies and Disasters. Vol. 17 No. 1: 79-98.

12- Fothergill, Alice. (1996). **"Gender risk and disaster"**. International Journal of Mass Emergencies and Disasters Vol. 14 No. 1: 33-56.

13- Hakim, Catherine. (1999). **"Models of the family, women's role and social policy: A new perspective from Preference Theory"**. European Societies. Vol. 1 No. 1 : 33-58.

14- Hewitt, Kenneth. (1998). **"Excluded Perspectives in the social counstruction of disasters"**. in Quarantelli, Enrico L. (ed) What is a Disaster?. London: Routledge: 75-91.

15- Hewitt, Kenneth. (1997). **Regions of Risk**. Harlow, Essex: Addison Wesley Longman.

16- Larabee, Ann. (2000). **Decade of Disasters**. Urbana and Chicago: University of Illinois Press.

17- Mies, Maria. (1999). **"Decolonizing the iceberg economy: new feminist concepts for a sustainable society"**. in Chirstiansen-Ruffman Linda (ed). Social Knowledge: Heritage, challenges, PersPective the Global Feminist Enlightenment: Women and Social Knowledge. Pre-Congress Volume. Madrid, Spain: International Sociological Association.

18- Morrow, Betty Hearn. and Elaine Enarson. (1996). **"Hurricane Andrew Through Women's Eyes: issues and recommendation"**. International Journal of Mass Emergencies and Disasters. Vol. 14 No. 1: 5-22.

19- Neal, David M. and Brenda D Phillips. (1990) **"Female-dominated local social movement organization in disaster-threat situations"**. in Women and Social Protest. West, G. and R. L. Blumberg. New York: Oxford University Press.

20- Nigg, Joanne. (1996). **"Policy issues for Post-disaster mitigation: the need for process"**. Paper presented at the US-Japan Earthquake policy Symposium.Washington DC. September 16-18. 1996.

21- UNDP. (1998) **Gender in Development, Mainstreaming Gender** http://www.undp.org/gender/capacity/gm-tips.html.

22- UNESCO.(2000).**Institute for Statistics** (http://www.unescostat.unesco.org/).

23- Walker, Bridget. (ed). (1994). **"Women and Emergencies"**. Oxfom Focus on Gender. Oxford: Oxfam.

24- Wilson, Jennifer. (1999). **"Professionalization and Gender in local emergency management"**. International Journal of Mass Emergencies and Disasters. Vol. 17 No. 1: 111-122.

25- Wilson, Jennifer & Arturo Oyola-Yemaiel. (1998). **Emergent coordinative groups and women's response roles in the central Florida tornado disaster, February 23 1998.** Natural Hazards Research and Applications Center Quick Response Report #110.

26- Wisner, Ben. (1999). **"There are worse things than earthquakes: Hazard vulnerability and mitigation capacity in Greater Los Angeles"**. in Mitchell, James K. Crucibles of Hazard: Mage-cities and disasters in Transition Tokyo: United Nations University Press: 375-427.

27- Wisner, Ben. and Shigeo Takahashi. (1997). **"Preliminary summary of Tokyo interview"**. Part of the United Nations University. Environment and Sustainable Development. Natural Disaster Risk Management: The Geography of Vulnerability. http://202.253.138.133/scripts/dbml.exe?template=/ENV/SIMPLE/publications1.dbm&type=I&ID=123